

مسیری حرکت کنیم خیلی روی این اثر می‌گذارد که چطور توسعه پیدا کنیم. تئوری‌هایی هست که می‌گوید من از الان شروع می‌کنم شاخص‌های حکمرانی را توسعه دهم تا مانند کشوری مثل آمریکا بشوند. خیلی‌ها به این نقد وارد کردند که توسعه از مسیری که آمریکا رفته لزوماً برای هر کشوری امکان‌پذیر نیست، شاید مانند چین یا کره برویم بهتر باشد. ابتدا با یک تمرکز سیاسی، آن نهادهای اقتصادی را ایجاد کنیم بعد به نهادهای اقتصاد فضای آزاد بدهیم، نهادهای اقتصادی بزرگ بشوند، بعد آزادسازی سیاسی بکنیم، نقطه‌ای که الان روی آن هستیم. من بحثم اینجا است می‌گویم باید ببینیم ایران چه شکلی است؟ فضای سیاسی اجتماعی اقتصادی ایران چه شکلی است؟ ما اگر می‌خواهیم مردم را در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در کشور دخیل کنیم از این جنس است که به مردم فضای باز اقتصادی بدهیم قدرتمند شوند. بعد آن موقع اگر قدرت را توزیع کردی، بعد قانون مصوب کردید که نوشتید حقوق و مزایا برای مردم شفاف شود کسی وجود دارد که این را پیگیری کند ولی الان سه سال است که هیچ‌کس پیگیری نمی‌کند، نه از اصولگرایان نه از اصلاح‌طلبان، چرا؟ چون برای کسی این کار صرفه ندارد. اگر این توزیع شد کسی پیدا می‌شود مطالبه کند. تعبیر شیرخوار بودن مردم برای این است که اگر ما در دوره‌ای فضای سنگینی به یک آدم بدهیم که آن فضا کشش ندارد، حتماً پس می‌زند. ما اگر شفافیت آرا را تصویب کنیم، به نظرم در فضای سیاسی کشور کاملاً عکسش اتفاق می‌افتد، یعنی یک اهرمی می‌شود دست اولیگارش‌ی که به مردم بگوید من این را به شما دادم دیگر هیچ‌چیز نگویند. در فضای سیاسی اجتماعی ایران به نظرم این اصلاً کمک‌کننده نیست. فقط چند ابزار می‌دهیم دست همین سیستمی که الان هست تا بیشتر مردم را خفه کند. لذا ما به نظرم مقدمات را باید در این فراهم کنیم وقتی می‌خواهیم به توسعه فکر کنیم.

**نماینده اندیشکده شفافیت:** اگر من نتوانم شوم مقابل مسأله‌ای را بگیرم، این ابزار برای اولیگارش‌ی است؟ اولیگارش‌ی از شما توانمندتر است. پس چه اتفاقی می‌افتد؟ من حرکت می‌کنم به سمت توانمند شدن، ولی

اولیگارش‌ی همین الانش هم از من توانمندتر است. اگر محرمانه شود اولیگارش‌ی توانمند است ولی پس از شفافیت اولیگارش‌ی قوی می‌شود و من هم قوی می‌شوم. شما می‌گویید نقطه شروع این است که ما برویم مردم را از نظر اقتصادی قدرتمند کنیم. چرا خصوصی سازی شکست خورد؟ به خاطر اینکه شما می‌خواستی از نظر اقتصادی مردم را توانمند کنید ولی نمی‌خواستید هم‌زمان با آن توسعه سیاسی اتفاق بیفتد. دقیقاً مسیری که در دهه ۷۰ جمهوری اسلامی ایران رفت. توسعه اقتصادی را دنبال کرد، توسعه سیاسی را دنبال نکرد. وقتی توسعه اقتصادی دنبال می‌شود، توسعه سیاسی دنبال نشود،

**” مسأله‌ای مثل شفافیت آرا الان آمده است، شما می‌توانی قبول کنی و می‌توانی رد کنی ولی باید این مسأله تجربه شود. مدل ذهنی شبیه‌سازی من این است که اگر این در یک بازه‌ای اتفاق بیفتد، آن بازه همان بازه‌ای است که تبصره برایش گذاشتم، یک نهاد مدنی‌طور شکل می‌گیرد که شروع به بازیگری می‌کند. چرا این نهاد مدنی شکل می‌گیرد؟ به خاطر اینکه یک، ابزاری در اختیار این نهاد مدنی قرار گرفته که قبلاً در اختیار این نهاد مدنی نبوده 66**

نتیجه‌اش می‌شود دولت آقای رفسنجانی که مجبور است بگوید مردم زیر چرخ‌دنده‌ها له شدند.

**نماینده اندیشکده امیرکبیر:** مثال کاملش کره است که در دوره ژنرال پارک توسعه اقتصادی پیدا کرد بزرگ و قوی شد، سپس فضای اقتصاد باز را آزاد را کرد ولی هنوز در قدرت سیاسی متمرکز بود. بعد فضای سیاسی را آرام آرام بعد از ژنرال پارک ایجاد کرد.

شفافیت آرا به نظرم الان قفل‌کننده کشور است. ما الان با این فضایی که داریم، تصمیمات سخت در اقتصاد باید بگیریم، که فضای اقتصاد باز شود. اینکه تصمیمات سخت بگیریم، مردم را

به میان خیابان‌ها بیاوریم، گزارش دهیم بگوییم ۲۶۰ نفر را کشتیم، بعد هم نظام را به میان یک بحران ببریم و احساس کنیم که داریم به نظام خدمت می‌کنیم. اتفاقاً خوب چیزی گفتید این می‌کند، شفافیت آرا بارها سر چیزهای کوچک‌تر رهبر انقلاب باید سینه سپر کند بگوید من بودم تصمیم گرفتم.

**نماینده اندیشکده شفافیت:** رهبر انقلاب سینه سپر نکند، ملت برای تصمیم اشتباه خودش هزینه دهد. الان استدلال شما هم غلط است که چون این طرف مدلی نیست، پس این کار را می‌کنم من می‌گویم بگذار هزینه بدهد.

**نماینده اندیشکده امیرکبیر:** آیا مسیر رشد مردم از شفافیت آرا به‌عنوان گام اول در این برهه می‌گذرد؟

**نماینده اندیشکده شفافیت:** این مسأله دست شما نیست. نمی‌توانیم بگوییم اول این گام را انجام دهیم، بعد برویم این یکی را هم انجام دهیم بعد این را انجام دهیم تا این نتیجه خوب حاصل شود. انگار که در فضای منطقی ریلکس در حال طرح است. مسأله‌ای مثل شفافیت آرا الان آمده است، شما می‌توانی قبول کنی و می‌توانی رد کنی ولی باید این مسأله تجربه شود. مدل ذهنی شبیه‌سازی من این است که اگر این در یک بازه‌ای اتفاق بیفتد، آن بازه همان بازه‌ای است که تبصره برایش گذاشتم، یک نهاد مدنی‌طور شکل می‌گیرد که شروع به بازیگری می‌کند. چرا این نهاد مدنی شکل می‌گیرد؟ به خاطر اینکه یک، ابزاری در اختیار این نهاد مدنی قرار گرفته که قبلاً در اختیار این نهاد مدنی نبوده، در عین اینکه همین الان اولیگارش‌ی ابزار خودش را دارد ولو این ابزار محدودتر باشد. اما اولیگارش‌ی مثلاً خودکار دارد، مردم هیچ‌چیز ندارند وقتی این اتفاق بیفتد خودکار را دست مردم دادم، موبایل را دست اولیگارش‌ی دادند. پس مردمی هستند که دخالت کنند پس منجر به رشد مردم می‌شود.

**نماینده اندیشکده امیرکبیر:** پس زد و بندها در آن ۸۰ درصد تقویت می‌شود.

**نماینده اندیشکده شفافیت:** من می‌گویم همین الان زد و بند هست. شاید ۱۰ درصد تقویت شود، اما آن ذی‌نفع مثبت ۸۰ درصد نیرو می‌گیرد. الان هیچ نیرو و ابزاری ندارد فشار بیاورد.